

# عیسی

چرا همه چیز اینگونه است

هشدار!! هشدار!! هشدار!!

در این جزوه پاسخ‌هایی خواهید یافت!  
تنها در صورتی آن را بخوانید که  
می‌خواهید حقیقت را بدانید! اگر از  
۵۰۰ نفر درباره خدا بپرسید، احتمالاً  
۵۰۰ نظر مختلف خواهید گرفت. اما  
نظرات مانند دهان‌ها هستند؛ هر کسی  
یکی دارد. بهترین راه برای شناخت  
خدا و برنامه‌ها و افکار او، مراجعه به  
کتاب مقدس است. چیزی که قرار  
است بخوانید ممکن است شبیه هیچ‌کدام  
از چیزهایی که قبلاً خوانده‌اید نباشد.

رابین دی. بولاک

# عیسی! چرا همه چیز اینگونه است!

کپی‌رایت ۲۰۰۹

رابین دی. بولاک

تمامی حقوق محفوظ است

مینیستری جوانان کلیسای بین‌المللی  
یک سازمان غیرانتفاعی C 3 501  
است.

تمامی آیات از نسخه کینگ جیمز کتاب  
مقدس گرفته شده‌اند.

## در آغاز خدا آسمان‌ها و زمین را **بهشت**

بهشت بسیار باشکوه است! در آنجا دریایی وجود دارد، آنقدر شفاف که مانند یک قطعه کریستال بزرگ به نظر می‌رسد! این دریا به قدری شفاف است که مانند شیشه می‌ماند! شهری که تخت خدا در آن قرار دارد، ۱۵۰۰ مایل مربع مساحت دارد. در آنجا ۱۲ دروازه وجود دارد که هر کدام از یک مروارید یکپارچه ساخته شده‌اند! فرشتگان در آنجا حضور دارند. موجوداتی در بهشت هستند که درون و بیرونشان پر از چشم است و شبانه‌روز بدون وقفه فریاد می‌زنند: "قدوس، قدوس، قدوس، است خداوند قادر مطلق که بود، هست و خواهد آمد!" وقتی خدا در معبد بهشت قدم می‌زند، حضور او آنقدر باشکوه و باعظمت است که جلال او معبد را مانند دودی پر می‌کند!

## خانواده خدا

کتاب مقدس به ما می‌آموزد که خدا محبت است. تصور کنید که محبت خالص باشید و کسی را نداشته باشید که او را محبت کنید. فرشتگان ظرفیت روحانی برای تحمل محبت بزرگ خدا را نداشتند. خدا می‌خواست کسی را داشته باشد که بتواند او را دوست داشته باشد و او نیز بتواند آن شخص را دوست داشته باشد. خدا برای کسی که به صورت و شباهت خودش باشد اشتیاق داشت. خدا با کلام توانای خود می‌آفریند! او با تصاویر صحبت می‌کند، همانطور که من و شما می‌کنیم! درست است! اگر کسی بگوید "سگ"، ما حروف "س" و "گ" را نمی‌بینیم. بلکه یک حیوان را تصور می‌کنیم! اگر کسی بگوید "سگ قهوه‌ای"، آن سگ در ذهن ما قهوه‌ای می‌شود! ما این را از خدا گرفته ایم

(زیرا ما به صورت و شباهت او هستیم). وقتی خدا آماده شد تا انسان را خلق کند، او را در درون خود تصور کرد! او یک پادشاهی را برای این انسان تصور کرد تا در آن زندگی کند. این پادشاهی سرسبز و پر از حیات بود! شبیه خانه خود خدا بود - بهشت. این انسان مرکز تفکر خدا بود! خدا قرار بود خانواده‌ای داشته باشد! وقتی طراحی انسان و خانه‌اش به پایان رسید، خدای بزرگ تمام آفرینش بر لبه بهشت ایستاد و تصویر زمینی که درون خود داشت را رها کرد؛ همچنین تصویر ماه، ستارگان و کهکشان‌ها را. او این کار را با کلامش کرد، "بگذار روشنایی باشد!" و با سرعت نور، آسمان‌های بزرگ آغاز به گسترش کردند! خدا همه این کارها را برای خانواده‌اش انجام داد!

## حکومت خدا

خدا به خانواده‌اش یک حکومت داد تا از طریق آن اقتدار خود را اعمال کند. این حکومت، یک حکومت چرخشی است؛ و ما می‌توانیم با نگاهی به نظام بذر، گیاه و برداشت، آن را بهتر درک کنیم. ما آن را به عنوان "هر چه بکاری همان را درو می‌کنی" می‌شناسیم.

## دشمن خدا و انسان

فرشته‌ای به نام لوسیفر مأمور شد تا زمین را برای خانواده خدا آماده کند. این فرشته خاص، درک کاملی از نحوه کار حکومت خدا داشت. این فرشته، که اکنون شیطان نامیده می‌شود، به خانواده خدا حسادت کرد و تصمیم گرفت جایگاه انسان را تصاحب کند. با این کار، او دشمن قسم‌خورده خدا و انسان شد.

## انسان نام خود را می‌گیرد

خدا پدر خانواده جدیدش را "آدم" نامید. آدم به معنای "خون در چهره" است. خدا سه‌گانه است: پدر، کلام و روح‌القدس. انسان به شباهت اوست؛ ما روح، جسم، و جان هستیم. با این حال، یک بخش چهارم نیز داریم: خون! ما این خون را از خدا گرفته‌ایم! خون خدا قرمز نیست؛ اما خون ما قرمز است زیرا از خاک قرمز ساخته شده‌ایم. آنچه در خداست و ما آن را خون می‌نامیم "تور خالص" است! به همین دلیل است که خون ما می‌درخشد! واقعاً می‌درخشد! اگر به یک اتاق تاریک بروید و چراغ قوه‌ای را پشت دست خود بگیرید، می‌توانید آثار نور را در خون خود ببینید! بین انگشتان خود یک درخشش قرمز و گلی خواهید دید! نام آدم همچنین به معنای "قرمز و گلی" است! پیش از آنکه آدم گناه کند، نور

در خون او آنقدر روشن می‌درخشید  
که عملاً آدم نیازی به لباس نداشت!

## باغ عدن

خدا برای خانواده‌اش مکانی ویژه به  
نام **عدن** ساخت! عدن به معنای لذت،  
تجمل و خوشی است! آنجا بهشت بود!  
بخشی از زمین که خدا خانه آدم را در  
آن ساخت، "باغ عدن" نام داشت. خانه  
او به نام باغ شناخته می‌شد زیرا آنجا  
جایی بود که اولین انسان، یعنی آدم،  
هر بذری را برای نسل بشر می‌کاشت!

## درخت شناخت نیک و بد

خداوند با نشان دادن درختان باغ به  
آدم، به او توضیح داد که این حکومت  
چگونه کار می‌کند. خدا گفت همه  
درختان باغ برای تو به رایگان میوه  
خواهند داد، تنها کافی است از این  
درخت خاص نخوری. درختی که آدم  
نباید از آن می‌خورد، به نام درخت



شناخت نیک و بد شناخته می‌شد.  
(پیدایش 2:17)

این درخت مانند بذری برای آدم بود. هر کاری که آدم درباره این درخت انجام می‌داد، تعیین می‌کرد که از آن به بعد چه اتفاقی برای او می‌افتد. اگر آدم از این درخت می‌خورد، عمل او نه تنها به عنوان بذر برای سایر درختان بود تا برای او به رایگان میوه ندهند، بلکه به عنوان بذر نافرمانی علیه خدا نیز بود و به مرگ اجازه می‌داد وارد قلمرو آدم شود! خدا به آدم توضیح داد که اگر این کار را بکند، از آن لحظه به بعد، آدم شروع به مردن خواهد کرد! (پیدایش 2:17) آدم این را به خوبی درک کرد، اما با این حال از درخت خورد. و دقیقاً همانطور که خداوند به آدم گفت، این اتفاق افتاد! این قلمرو آدم بود و او بود که انتخاب می‌کرد آیا مرگ را به آن راه دهد یا نه.

## سقوط انسان

شیطان، که این چرخه و نحوه کار آن را می‌دانست، به دنبال راهی برای دستکاری و کنترل قلمرو انسان بود. آدم به همسرش توضیح نداده بود که نظام این حکومت چگونه کار می‌کند. این همان چیزی بود که دشمن به دنبال آن بود. او این ضعف را تشخیص داد و بنابراین سقوط انسان به گناه را از طریق همسر آدم آغاز کرد. کتاب مقدس به ما می‌آموزد که "زن فریب خورد ولی مرد نه." (اول تیموتائوس 2:14)

شیطان می‌دانست که هیچ‌کس در نسل بشر نمی‌تواند این موقعیت را برای انسان بازپس گیرد و آنها را به جایگاه واقعی‌شان در خانواده خدا بازگرداند. وقتی آدم نافرمانی کرد، روحش تاریک شد و ذهنش نیز همین‌طور. خون آدم با گناه و مرگ روحانی آلوده شد و او شروع به مردن کرد. به

عنوان پدر نسل بشر، آدم مرگ را به همه فرزندان بعد از خود منتقل کرد. بنابراین، همه ما در این دنیای سقوط کرده با این نافرمانی و مرگ روحانی متولد شدیم. کتاب مقدس در رومیان 3:23 می‌گوید: "زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا کوتاه آمده‌اند."

برای اصلاح اوضاع و بازگرداندن خانواده خدا به جایگاه واقعی‌اش، یک نفر می‌بایست بهای مرگ جسمی و روحانی را می‌پرداخت!

از آنجا که انسان بالاترین موجود خلق شده است، هیچ‌کسی از پادشاهی فرشتگان نمی‌توانست او را نجات دهد؛ هیچ‌کسی از پادشاهی حیوانات نمی‌توانست او را نجات دهد؛ و هیچ‌کسی از پادشاهی گیاهان نمی‌توانست او را نجات دهد. تنها، چیزی که به شباهت و در طبقه انسان بود، چیزی عاری از گناه اما دارای خون، می‌توانست انسان را نجات دهد!

تنها یک موجود وجود داشت که با این معیارها سازگار بود - منبع انسان، خالق، تنها کسی که بالاتر از او بود، یعنی خود خدا! خدا باید به نوعی انسان می‌شد! خون یک حیوان نیز عاری از گناه بود، اما این خون چون در طبقه پایین‌تر از انسان در آفرینش قرار داشت، تنها می‌توانست گناه انسان و محصول بد آن را برای مدت کوتاهی به تأخیر بیندازد. اینجا بود که قربانی‌های بره اسرائیل شکل گرفتند.

## **اکنون یک نجات‌دهنده نیاز**

### **بود**

از آنجا که حکومت آفرینش مانند یک بذر عمل می‌کند و چون یک انسان با خون خالص (بدون گناه) آفرینش را از دست داد، تنها کسی که خونی خالص و بی‌گناه داشت می‌توانست آن را باز پس گیرد! پدر نسل بشر (آدم) خیانت بزرگی مرتکب شده و گناه کرده بود.

جایگزین خدا باید یک نجات‌دهنده  
(کسی که می‌توانست بهای خیانت آدم  
را بپردازد) می‌بود. او باید انسان  
می‌بود و باید خونی عاری از گناه  
می‌داشت (بدون گناه می‌بود).

## آمدن نجات‌دهنده

از آنجایی که دشمن از تبار فرشتگان  
بود، عشق بزرگ قادر مطلق را درک  
نمی‌کرد! وقتی آدم گناه کرد، خدا اعلام  
کرد که نسل زن خواهد آمد و سر  
دشمن را خواهد کوبید و دشمن پاشنه  
نسل زن را خواهد گزید. نسل زن  
نجات‌دهنده بود! با گفتن نسل زن، خدا  
از تولد از باکره (فردی بدون کمک  
آدم) سخن می‌گفت! در واقع او از  
نقشه‌اش برای تبدیل شدن به جسم، و  
نجات ما سخن می‌گفت! گزیدن پاشنه  
به معنای مصلوب شدن بود. چون زن  
فریب خورده بود، این رحم او را  
بی‌گناه می‌کرد، و از آنجا که بذر از

پدر می‌آید، خدا پدر می‌شد و کلام خود  
(که بذر اوست) را در رحمی عاری  
از بذر آدم می‌کاشت!

به این ترتیب، عشق بزرگ خدا به  
خانواده‌اش به شکل انسان ظاهر  
می‌شد! نجات‌دهنده، خدا در جسم بود!

خود خدا، در کلامش، جسم شد و  
توسط مریم باکره به دنیا آمد. نام او  
"عیسی" نامیده شد که به معنای "خدا با  
ما" است! (متی 1:21-23)

### عیسی به دنیا آمد!

آن شب که مریم عیسی را به دنیا  
آورد، آنقدر هیجان‌انگیز بود که  
فرشتگان از دنیای روحانی به چوپانان  
در صحرا گفتند: "امروز در شهر  
داوود (زادگاه پادشاه داوود)  
نجات‌دهنده‌ای برای شما به دنیا آمد. او  
خداوند مسیح است." (لوقا 2:11)

وقتی عیسی بزرگ شد، برای تعمید در  
رود اردن نزد یحیای تعمید دهنده آمد.

یحیا نمی‌خواست عیسی را تعمید دهد زیرا او برای آمرزش گناهان تعمید می‌داد و می‌دانست که عیسی گناهی ندارد. با این حال، عیسی به یحیا گفت که تعمیدش دهد، زیرا او برای آمرزش گناه تعمید نمی‌شد، بلکه تعمیدش نشانه‌ای از تقدس او برای بازگرداندن جهان به موقعیت درست با خدا بود! همین که عیسی از آب بیرون آمد، روح‌القدس به شکل کبوتر بر او نازل شد و خدای پدر از آسمان گفت: "این است پسر محبوب من که از او خشنودم." (متی 3:17)

در ابتدا نام خدای سه‌گانه به عنوان پدر، کلام و روح‌القدس معرفی می‌شد؛ (اول یوحنا 5:7) اما کلام جسم شد و نام او عیسی است. اکنون می‌گوییم پدر، پسر و روح‌القدس! (متی 28:19)

عیسی در این زمین قدم زد و به ما نشان داد که چگونه باید در موقعیت

درست با خدا باشیم. او به ما نشان داد  
که چگونه باید در موقعیت اصلی که  
آدم از آن سقوط کرده بود، قرار  
بگیریم.

## بره خدا!

کتاب مقدس ادعا نمی کند که زمین  
۶،۰۰۰ ساله است؛ بلکه می گوید  
انسان حدوداً ۶،۰۰۰ ساله است. زمین  
بسیار قدیمی تر است. کتاب مقدس به ما  
(اول یوحنا 5:7) اما کلام جسم شد و  
نام او عیسی است. اکنون می گوئیم  
پدر، پسر و روح القدس! (متی 28:19)

عیسی در این زمین قدم زد و به ما  
نشان داد که چگونه باید در موقعیت  
درست با خدا باشیم. او به ما نشان داد  
که چگونه باید در موقعیت اصلی که  
آدم از آن سقوط کرده بود، قرار  
بگیریم.



## بره خدا!

کتاب مقدس ادعا نمی کند که زمین ۶۰۰۰ ساله است؛ بلکه می گوید انسان حدوداً ۶۰۰۰ ساله است. زمین بسیار قدیمی تر است. کتاب مقدس به ما می گوید که پس از گذشت چهار هزار سال تاریخ انسانی، یک لحظه حیاتی فرا رسید.

کتاب مقدس اینطور روایت می کند. هنگامی که زمان آن فرا رسید، خدا پسر خود را فرستاد. این لحظه حیاتی کل دوران بود. محصول بزرگ خیانت انسان بر او بود. هنگامی که یحیای تعمید دهنده عیسی را دید، گفت: "این است بره خدا که گناه از جهان برمی گیرد!"

خدا به ما می گفت که عیسی قرار است قیمت خیانت آدم را بپردازد و یکبار برای همیشه به عنوان بره خدا بمیرد. عیسی آمده بود تا برای همه ما بمیرد.

در روزی که عیسی بر روی صلیب رفت تا بمیرد، کتاب مقدس می‌گوید که زمین تاریک شد. این نتیجه خیانت آدم بود. و اگر انسان در آن روز رهایی نمی‌یافت و قانون برداشت اجرا نمی‌شد، برای همیشه محکوم به جدایی ابدی از خدا می‌شد! اما عیسی به روی صلیب رفت! او تنها کسی بود که می‌توانست خواسته‌های حکمی را که قانون برداشت برای خیانت آدم طلب می‌کرد برآورده کند. او می‌توانست ما را رهایی بخشد، زیرا نه تنها او خدای جسم پوشیده بود، بلکه همچنین:

• یک انسان بود. (و)

• خون پاک و بی گناه داشت (او بی گناه بود).

آدم به دلیل مرگ جسمانی و روحانی، اشکال مختلفی از مرگ مانند گناه، بیماری، مرگ، ترس، فقر، بدبختی و

مرگ روحانی (جدایی از خدا در جهنم) را برای تمام نسل انسان به ارمغان آورد. هنگامی که عیسی بر صلیب مرد، کتاب مقدس می‌گوید که نمی‌توانستید او را به عنوان یک انسان تشخیص دهید! این تنها نتیجه‌ی ضربه‌هایی که به او وارد شده بود نبود، بلکه بخاطر این بود که او مجازات هر نوع مرگی که گناه آدم به بار آورده بود را بر دوش گرفت. پس از اینکه بهای جسمانی پرداخت شد و جسم عیسی مرد، او به دوزخ رفت تا بهای ابدی را نیز پردازد؛ و همه انسان‌ها از حکم ابدی دوزخ آزاد شوند!

کتاب مقدس نمی‌گوید که عیسی گناه ما را برداشت، بلکه می‌گوید او برای ما گناه شد! (۲ قرن‌تینان ۵:۲۱) از آنجا که او گناه ما شده بود، شیطان این تفاوت را احساس نمی‌کرد. بنابراین زمانی که عیسی را روی صلیب دید که برای

ما گناه شده است، فکر کرد که پیروز  
شده است!

اما عیسی هیچ‌گاه گناهی نکرد - او  
بخاطر گناه ما به عنوان یک گناهکار  
جان می داد! بنابراین او به دوزخ  
وارد شد تا درد مرگ را در دوزخ  
تحمل کند! پس از سه روز و شب که  
او درد مرگ روحانی را تحمل کرد،  
کتاب مقدس می گوید که خداوند به چاه  
لعنت شدگان فرود آمد و او را از  
مردگان زنده کرد! شیطان فکر  
نمی‌کرد خداوند بتواند او را از مردگان  
برخیزاند؛ زیرا تنها چیزی که او دیده  
بود این بود که عیسی به عنوان یک  
گناهکار مرد! شیطان نمی‌دانست چه  
خبر است. کتاب مقدس می‌گوید:  
"هیچ‌یک از حکمرانان عصر حاضر  
این حکمت را درک نکردند، زیرا اگر  
آن را درک کرده بودند، خداوند جلال  
را بر صلیب نمی‌کردند."

واقعیت این بود که خداوند می‌توانست

عیسی را از مردگان برخیزاند؛ چرا  
که عیسی نه بخاطر گناه خود، بلکه  
بخاطر گناه ما مرده بود - او هرگز  
گناهی مرتکب نشده بود.

بنابراین، برای شیطان این ادعا که  
عیسی باید در دوزخ بمیرد غیر قانونی  
بود! گناه متعلق به آنجا بود اما عیسی  
نه! عیسی قانوناً مرگ، دوزخ و قبر را  
شکست داده بود و مقیاس های عدالت  
را به جا آورده بود! کتاب مقدس حتی  
عیسی را "آخرین آدم" نیز می خواند!

اکنون هر کس که به سوی عیسی آید و  
او را خداوند زندگی خود قرار دهد  
می تواند قسمتی از نژاد جدید آخرین  
آدم باشد؛ با روح او زاینده شده و با  
خون عیسی از گناهان خود پاک شود!  
تصور کنید که از خیانت آدم اول پاک  
شوید! این دقیقاً همان چیزی است که  
عیسی می خواست به ما بفهماند وقتی  
که گفت: "باید از نو زاده شوید."

(یوحنا ۳:۳) این همان معنای نجات  
است. (یوحنا ۳:۱۶ - ۱۷)

عیسی تنها راه است - هیچ راه  
دیگری جز او، قربانی او، و خون او  
به سوی خدا نیست! عیسی خود گفت:  
"من راه و راستی و حیات هستم؛  
هیچکس جز به واسطه من، نزد پدر  
نمی‌آید." (یوحنا ۱۴:۶) کتاب مقدس  
می‌گوید: "اگر به زبان خود اعتراف  
کنی «عیسی خداوند است» و در دل  
خود ایمان داشته باشی که خدا او را از  
مردگان برخیزانید، نجات خواهی  
یافت." (رومیان ۹:۱۰)

اگر میخواهید با خدا در صلح باشید،  
فقط کافی است این دعا را بگویید و از  
اعماق قلبتان آن را بپذیرید:

"خداوند عیسی، من ایمان دارم که تو  
برای من مردی و از مردگان  
برخاستی. امروز من تو را به عنوان  
خداوند زندگی خود می‌پذیرم. وارد

قلبم شو و خداوند و نجات‌دهنده زندگی  
من باش!"

به راستی که در صلح بودن با خدا به  
همین سادگی است. اگر به این دعا  
ایمان دارید، اکنون شما فرزند خدا  
هستید و با خدا در صلح هستید، آنچنان  
که گویی هرگز گناه نکرده‌اید!

اگر این دعا را گفته‌اید، به دیگران نیز  
بگویید! به آنها بگویید: "من به تازگی  
عیسی مسیح را به عنوان خداوند و  
نجات‌دهنده زندگی خود پذیرفته‌ام!"

لطفاً برای ما بنویسید و به ما اطلاع  
دهید که یک عضو جدید در خانواده  
خود داریم! همچنین مشتاقیم تا برای  
شما مطالبی رایگان ارسال کنیم.

برای سفارش نسخه‌های این بروشور  
یا کتاب‌های دیگر رابین دی بالوک،  
به وبسایت زیر مراجعه کنید:

همچنین می‌توانید به آدرس  
ایمیل بزنید یا به آدرس زیر نامه  
بنویسید:

صندوق پستی 67، Warrior  
آلاباما 35180

**به خانواده خدا خوش آمدید!**

**خدا بی شک نیکوست!**

اگر میخواهید در مورد موضوعاتی که  
در هر بخش این بروشور نوشته شده



است، بیشتر مطالعه کنید، می توانید به آیات زیر مراجعه کنید:

### بهشت

- پیدایش ۱:۱ - مکاشفه ۴:۶ - مکاشفه ۲۱:۱۶  
- مکاشفه ۲۱:۲۱ - مکاشفه ۴:۸ - مکاشفه ۵:۸

### خانواده خدا

- ۱ یوحنا ۴:۷-۲۱ - پیدایش ۱:۲۶-۲۸

### حکومت خدا

- پیدایش ۱:۲۹

### دشمن خدا و انسان

- حرقیال ۱۱:۲۸-۱۹ - اشعیا ۱۲:۱۴-۱۵

### انسان نام خود را می گیرد

- پیدایش ۵:۲

### باغ عدن

- پیدایش ۲:۸ - پیدایش ۲:۱۰ - پیدایش ۲:۱۵

## درخت شناخت نیک و بد

- پیدایش ۲:۹ - پیدایش ۲:۱۶

- پیدایش ۲:۱۷

## سقوط انسان

- پیدایش ۱:۳-۷ - رومیان ۵:۱۷

- رومیان ۳:۲۳

## اکنون یک نجات‌دهنده نیاز بود

- پیدایش ۳:۱۵ - رومیان ۳:۲۳ / ۶:۲۳

## آمدن نجات‌دهنده

- پیدایش ۳:۱۵ - متی ۱:۲۱-۲۳

## عیسی به دنیا آمد!

- لوقا ۱:۱۱ - متی ۳:۱۷

- یوحنا ۱:۱۴

## بره خدا

- یوحنا ۱: ۲۹ - یوحنا ۱: ۳۶ - اشعیا ۵۳: ۱۰

- اشعیا ۵۳: ۴-۶ - ۱ پطرس ۲: ۲۴

- ۲ قرنتیان ۵: ۲۱ - ۱ قرنتیان ۱: ۲-۸

- عبرانیان ۱: ۸ - ۱ قرنتیان ۱۵: ۴۵

- یوحنا ۳: ۱۶-۱۷ - یوحنا ۶: ۱۴

- رومیان ۹: ۱۰-۱۰

